فایل شماره ۱۲۷۵ \_ سوره انبیاء

**با تفکّر**

**خانه ی دیرین خود آباد کن**

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا و حبیب الهنا ابوالقاسم محمد صلی الله علیه واله الطاهرین سیما بقیه الله مولانا الحجه ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف و لعنت الله اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

**مسئله ی شرعی:وجوب قیام در نماز**  
درباره ی قیام نماز عرض شد که مادامی که برای انسان مقدور است به هر نحوی قیام را انجام بدهد ، واجب است که انجام بدهد ، ولو اینکه یک رکعت یا نصف رکعت را بتواند یا اینکه با کمک تکیه دادن به عصا یا کسی و یا دیوار و چیزی لازم است آن مقدار قیام انجام شود اما اگر از همه ی اینها عاجز بود و به هیچ کیفیتی قادر بر قیام نبود ، وظیفه اش جلوس است ، یعنی بنشیند ، اگر از جلوس هم عاجز شد و نتوانست بنشیند !نوبت می رسد به حالت خوابیدن ، در بیمارستان است یا در بستر افتاده قادر نیست نه بایستد و نه بنشیند ، در حال درازکش همانطور که میّت را در قبر می گذارند نمازش را بخواند و باز هم اگر نتوانست ، به پهلوی چپ دراز بکشد و رویش به سمت قبله باشد و بازهم اگر نتوانست باید به پشت بخوابد درحالیکه کف پاهایش به سمت قبله باشد و بعد رکوع و سجده را با اشاره سر یا چشم بخواند چون نماز در هیچ صورت نباید ترک شود. .

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

**تقدیر از تلاش انسان**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ [[1]](#footnote-2)

پس كسی كه برخی از كارهای شایسته را انجام دهد در حالی كه مؤمن باشد، نسبت به تلاشش ناسپاسی نخواهد شد، و ما یقیناً [تلاش او را] برایش می‌نویسیم.

در دو آیه قبل به این اشاره شد که نوع بشر امت واحدی است ( إِنَّ هَٰذِهِٓ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ) قهراً ربّ واحد ، مسیر و مقصد واحدی هم دارد که به معاد و یک رستاخیز واحد منتهی می شود همه افراد بشر دارای عقل اراده و اختیارند و نوع واحدی دارند (وَ أَنَا رَبُّکُم ) من هم خالق شما و ربّ شما هستم مسلّماً همان کسی که خالق است ربّ و معبود شما نیز هست.  
**ربّ و معبود ما یکی است**  
معبودیت و الوهیت لازمه ربوبیّت است و ربوبیّت لازمه خالقیت است ، چون خالق شماست ، شما را اداره می کند و از نقص به کمال می رساند و سرپرستی می کند پس آن کسی که ربّ شماست معبود شما هم هست ، و شما تعلق و نیاز به او دارید ( أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ) بعد هم فرمود :

( وَتَقَطَّعُوٓا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖكُلٌّإِلَيْنَارَاجِعُونَ[[2]](#footnote-3)1 ) ولی [آنان] آیینشان را در میان خود قطعه قطعه کردند [و نسبت به دین گروه گروه شدند و به شدت با هم اختلاف پیدا کردند]؛ و همه آنان به سوی ما باز خواهند گشت [تا کیفر سخت این گروه گرایی را ببینند.]

ولی متأسّفانه نوع بشر تابع این منطق نشدند و تفرقه ایجاد کردند و از این آزادی عمل که به آنها دادیم سوء استفاده کردند در حالی که عقل و اختیار و آزادی در عمل و حرّیت در فکر وسیله ای بود که آنها راه مستقیم را پیدا کنند اما اهوای نفسانی بر آنها غالب شد و با ایجاد تفرقه مسیر واحد را متعدّد کردند و ربّ واحد را به اربابی متعدّد تبدیل کردند .

( وَتَقَطَّعُوٓا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖكُلٌّإِلَيْنَارَاجِعُونَ([[3]](#footnote-4)1 و در تقسیم بندی کلی انسانها دو دسته شدند ، گروهی مؤمن شده برنامه آسمانی را قبول کردند و گروهی قبول نکرده کافر شدند.

**سرنوشت مؤمنان و کافران از نگاه قرآن**

قرآن کریم سرنوشت این دو گروه را چنین معین می فرماید،

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ[[4]](#footnote-5)2) آن گروهی که ایمان آورده عمل کردند ما از ایشان سپاسگزاریم ، اینجا عظمت خالق و ناچیزی مخلوق را ببینید بعد تشکر و سپاسگزاری معبود را مشاهده کنید ( فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ ) ما شکور هستیم ، ایمان به خدا و عمل صالح نفعش به خودِ انسان رسیده وگرنه سودی به حال خداوند ندارد ، نه طاعت و بندگی ما و نه عصیان و گناهان ما سود و زیانی به خالق ندارد ، تماماً به خود ما بر می گردد :

گر جمله ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد در عین حال لطف و تشکر هم می کند ( مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ ) ما نخواستیم انسان همه صالحات را انجام بدهد ( مِنَ الصَّالِحَاتِ ) اینجا [مِنْ] تبعیض است یعنی قسمتی از صالحات را انجام بدهد ما اکتفا می‌کنیم ، مؤمن باشد و بعضی از اعمال صالحات را انجام بدهد نه همه کارهای نیک را ،و البتّه معلوم است هیچ کسی نمی تواند همه صالحات را انجام بدهد ، هر کسی شرایط خاصی و یک وظائف خاصی در همان حال خود دارد به حسب حال خود باید آن وظایف را انجام بدهد ولذا قسمتی از صالحات را انجام می دهد و این برای ما کافیست ، در یک شبانه روز اگر هفده رکعت نماز بخوانیم مگر کار سختی است ؟ مگر دشوار است ؟ یا در تمام سال یک ماه رمضان آنهم چند ساعت آن را امساک کنیم مگر کار مشکلی است ؟ در تمام مدت عمر یک بار حج بجا آوردن سخت است ؟

از ما نخواستند در هر یک ساعت ده رکعت نماز بخوانیم یا هرسال مکه برویم چنین کار شاقّی خداوند از ما نخواست بلکه فرمود قسمتی را انجام بدهد ما اکتفا می‌کنیم منتها باید مؤمن باشد تا این عمل او از ایمان برخیزد این دو رکن لازم است: ایمان در قلب باشد و عمل در جوارح ،و ایمان قلبی مولّد عمل باشد و عمل هم مولود ایمان باشد .

اگر یکی تنها باشد کافی نیست ، ممکن است کسی قلباً خدا را باور کند [افراد ناپخته و خامی هستند از این حرفها می زنند که می گویند خدا را قبول دارم ولی نماز نمی خوانم و عمل صالح ندارند] ، این ایمان باید مولّد باشد ، چون خدا را باور کرده دستورش را هم باید قبول کند ایمان به خداوند باید خاصّیت داشته باشد ایمان باید مولّد عمل باشد و عقیم نباشد اثر گزار باشد ، و یا ممکن است کسی عملی داشته باشد و خوب هم باشد اما از ایمان سرچشمه نگرفته باشد اینهم ارزش ندارد و انسان را به سعادت نمی رساند ، سعادت انسان به حکم قرآن معلول دو رکن است: یکی ایمان قلبی و دوم رکن عمل که در همه جای قرآن این مطلب آمده.

**ایمان و عمل صالح در سوره مبارک والعصر**

از جمله در سوره مبارک عصر :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْر إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

تمام انسانها در زیانند الّا یک گروه و آن آنها چه کسانی هستند ؟

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مؤمن صالح العمل یعنی قلبا باور کرده و عملا کار می کند این سبب سعادت او است و سعیش نزد ما مشکور است و ما کُفْران به سعی او نداریم و در روز قیامت اعمال او بی نتیجه نیست ، در دنیا شاید انسان تلاش کند ولی نتیجه ای که می خواهد ، حاصل نشود اینطور نیست که در دنیا هرکس تلاش کند به نتیجه برسد

**آیه اشاره به آخرت دارد نه دنیا**

فلذا آیه ی شریفه که در سوره نجم وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ [[5]](#footnote-6)1اشاره به آخرت دارد برخی آن را با دنیا تطبیق می دهند و می گویند در دنیا انسان آنچه که سعی می کند می برد،هرکه سعی نکند نمی برد خیلی ها سعی می کنند اما به نتیجه نمی رسند ،بعضی ها سعی می کنند اما نتیجه اش به دیگران می رسد مثلا خیلی پدرها جمع کردند ولی بچّه ها که ذرّه ای تلاش نکردند خوردند ، و کلی سرمایه نصیبشان شد، این نیست که هرچه انسان می برد نتیجه ی سعی و تلاش اوست ، بسیاری از تلاشگران ها به نتیجه نمی رسند و بسیاری از بیکاران نتیجه ی کار دیگران را می خورند پس منظور از این آیه ( وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ) دنیا نیست . امّا در آخرت مسلم است . یعنی در آخرت امکان ندارد کسی بهره ای ببرد امّا بدون تلاش خودش ! ( لا یَظْلِمُ رَبِّکَ أَحَدا [[6]](#footnote-7)2)امکان ندارد خداوند به احدی ظلم کند و هرکس هر سعی و تلاشی که کرده بهرمند می شود ، آنجا سعی پدر را به پسر نمی دهند و بالعکس سعی پسر را به پدر نمی دهند ( وَ اَنَّ سَعْیَهُ سَوْفَ یَری ) آنچه که نشانش می دهند سعی خود او را نشانش می دهند.

**تأکید آیات دیگر قرآن به آخرت اندوزی**

و در سوره ی ذاریات هم خداوند به دنبال آخرت افراد است. پس کسانی که در دنیا سعی برای آخرت خود می کنند ما سعی و تلاش آنها را مشکور قرار می دهیم و کفران نمی کنیم ( و انا له کاتبون )   
ما همه را می نویسیم ، ضبط می کنیم و هیچ چیزی از دفتر ما مکتوم و مخفی نمی ماند .

و در سوره ی لقمان می خوانیم:

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚإِنَّا اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ[[7]](#footnote-8)1

پسرکم! اگر عمل هموزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان ها یا در دل زمین باشد،خدا آن را[ در قیامت برای حسابرسی] می آورد،یقیناً خدا لطیف و آگاه است.  
مطمئن باش اگر عملی به اندازه دانه ی خردل که از ارزن هم کوچکتر است در آسمانها و در اعماق زمین وجود داشته باشد و حتی درلابه لای تخته سنگها قرار گرفته باشد،ما آن را می آوریم( لاتظلم نفس شیئاً ) مسئله ای که قرآن بر آن تاکید دارد ایمان و عمل صالح است که نمی شود به سادگی از آن گذشت ، مسئله به دست آوردن ایمان آنهم ایمان قلبی بسیار مهم است مایه می خواهد که نه فقط به زبان (قالَتِ الْأعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا[[8]](#footnote-9)1 ) بادیه نشینان گفتند: ما [از عمق قلب] ایمان آوردیم. بگو:ایمان نیاورده اید

عدّه ای آمدند گفتند ما ایمان آوردیم به آنها گفته شد حرف نسنجیده نزنید ، ( ولکن قولوا اسلمنا ، ولکن لم تومنوا ، ولما یدخل الایمان فی قلوبکم ) اسلام آورده ایم؛ زیرا هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است.

چون هنوز ایمان در قلب شما وارد نشده ، مسئله قلبی است ایمان باید به باور تبدیل بشود ، باور قلبی هم به این سادگی نیست ، برای وحدانیت شهادت می دهید و بر نبوت شهادت می دهید ولی در عمل اطاعت نمی کنید شما مؤمن نشده اید ( و لمّا یدخل الایمان ) زیرا هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است.

گاهی لفظی را می گوییم و مفهوم آنرا نیز می دانیم ، و خیلی هم زیباست امّا نکته اساسی در کنار مفهوم،عمل به آن دانسته است تا نتیجه بدهد بعضی ها درس می خوانند و می فهمند اما باور قلبی ندارند ، فهمیدن غیر دلبسته شدن است.

**عامل بودن غیر از عالم ناقل بودن است**

این،دو مطلب است ، خیلی ها می فهمند اما دلبستگی ندارند پس فهم به آسانی به دست می آید از طریق کتابها ، مدرّسان و معلّمان امّا آنی که سخت است باور است که جوهر باور، قلب را رنگین کند آنهم به رنگ الله ... قلب انسان در مقابل فهمش تسلیم بشود ، چون خیلی ها می فهمند اما در مقابل فهم خود تسلیم نمی شوند ، آنهایی (وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَیْقَنَتْها اَنْفُسُهُمْ [[9]](#footnote-10)1) و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت

اینطور نیست که هر عالمی، مؤمن هم باشد ، شیطان از خیلی از ماها باسوادتر اما مؤمن نیست ، بلکه کافر است ،او آنقدر فهمیده و دانا بود که ملائک فکر می کردند او از جنس فرشتگان است چون با همان فهمش سر آنها کلاه گذاشته بود تا زمانی که دستور رسید همه تسلیم بشوند اما در مقابل همانی که می فهمید تسلیم نشد ، می دانست خداوند خالق بی همتاست گفت : ( خلقتنی من النار و خلقته من طین ) قیامت را هم قبول داشت که وجود دارد ( الی یوم یبعثون)فلذا خداشناسی مطلبی است و خدا باوری مطلب دیگری است ، ما علی شناس زیاد داریم امّا علی باور کم داریم ، خیلی از اهل تسنّن علی شناس هستند آنقدر خوب می شناسند ، تحلیل و بررسی می کنند اگر کسی نداند ابن ابی الحدید سنّی است مطالبی را که در مورد امیرالمومنین نوشته بخواند باور نمی کند سنّی باشد چون امام شناس است اما اهل تسلیم نیست ، خوب شناخته اند اما باور نکرده اند و در مقابلش خضوع ندارند و عمده همان تسلیم است.

**برای کسب ایمان تفکّر لازم است**

فلذا برای به دست آوردن ایمان تفکّر لازم است و متاسفانه ما تفکر کم داریم و نمی دانیم تفکّر، خود عبادت است اصلا ما موظّف به تفکّریم چون عبادت اول ما تفکّر است ، خیلی زحمت بکشیم ، نماز زیاد بخوانیم ،سجده طولانی و ذکر زیاد بگوییم یا خیلی ها پول خرج می کنند مکه و کربلا و مشهد می روند و به فقرا رسیدگی می کنند اما عبادت تفکّر کم داریم ، در شبانه روز ما پانزده دقیقه تفکّر نمی کنیم.   
برای همه کارهامان وقت تعین می کنیم ، غذا خوردن، خوابیدن ، مطالعه کردن ، اداره و کار کردن هایمان ، نماز خواندن ولی برای تفکر زمانی تعیین کرده ایم یا نکردیم ؟ حداقل آخر شب در شبانه روز پانزده تا سی دقیقه به تفکر بپردازیم چون بزرگان ساعت تفکّر دارند ، یکی از بزرگان در قم بود و از دنیا رفت ما طلبه بودیم و عقلمان نمی رسید آن زمان من هجده ساله بودم و با رفیقان برنامه مباحثه داشتیم و ساعت مباحثه یک ساعت قبل از اذان صبح در مسجد بالای سر همجوار حضرت معصومه علیها السلام برگزار می شد و هر موقع برای زیارت می رفتیم می دیدیم این بزرگوار آنجاست نماز شبش را خوانده تمام کارهایش را کرده فقط نشسته و درحال نشسته خم شده بود من فکر کردم در حال خواندن قرآن است یا مطالعه می کند اما بعد متوجه شدم آن ساعت تفکر ایشان بود . نیم ساعت به اذان صبح مانده ایشان عبادت تفکر می کرد ، ( تفکر ساعه افضل من عبادة سنه یا سبعین سنه ) یعنی یک ساعت تفکر از یکسال یا هفتاد سال عبادت بالاتر است.

**مقصود از عبادت زیاد تفکّر است**

این حدیث از امام رضا علیه السلام و امام عسکری علیه السلام نقل شده ( لیس العبادة کثرت الصیام و الصلواه ) همه ی عبادت به زیاد روزه گرفتن و نماز خواندن نیست ( انما العبادت کثرة التفکر ) کسی که اهل تفکر باشد و مطالب را به خورد عقل و قلبش داده باشد این ایمانش ریشه دار است و به این سادگی از او گرفته نمی شود انسانهایی که بدون تفکّر آمده اند با اندک تشکیکی از جاده منحرف می شوند ، ایمان و اعتقادات بدون ریشه اش را از او می گیرند، انسان متزلزل در عقاید خیلی خطرناک است خوب است انسان در شبانه روز یک ساعت یا نیم ساعت تفکّر کند.

**لزوم تفکّر در ادعیه ی مأثوره**

ما دعاهایی داریم که انسان را به تفکّر وا می دارد دعای جوشن صغیر مختصر است آن را بخوانید نعمت هایی را که خداوند به انسان داده متذکّر می شود که در زمانهای مختلف عمرم چه بودم و چه خطرهایی در مقابل راهم بود و تو رفع کردی و نجاتم دادی لازم نیست دعا را تا آخر بخوانیم و تمام کنیم مثلا شب جمعه قرار نیست به سختی دعای کمیل را بخوانیم و تمام کنیم نه بلکه خوب است یک سطر یا دو سطر یا نیم صفحه بخوانیم اما با تفکّر و تعقّل باشد نه اینکه با خستگی بخوانیم و چرت بزنیم ، دعای ابوحمزه ثمالی را لازم نیست تا آخر بخوانیم هر شبی یک صفحه بخوانیم و در همین یک صفحه فکر کنیم یا اینکه دعای عرفه را قرار نیست روز عرفه فقط بخوانیم اینها به قصد ورود که نیست در همین دعای عرفه از زبان امام حسین علیه السلام می خوانیم خدایا! من چه بودم و تو با من چه کردی و دائم تذکّر می دهد که چه شده که خداوند این همه لطف به انسان کرده و برکات مادی و معنوی برسر انسان ریخته در مورد اینها فکر کنیم ، انسان متفکّر که شد کم کم عالِم می شود و علم به اینها پیدا می کند و عزم در انسان پیدا می شود و تصمیم می گیرد و قاطع می شود.

**شنیدن ساز و آواز سست کننده ی اراده ی ایمانی انسان**

یکی از عواملی که اراده ی انسان را ضعیف می کند گوش کردن به ساز و آواز است ، بزرگان فرمودند: موسیقی های دارای غنا ، اراده ی ایمانی انسان را سست کرده و از بین می برند به حکم قرآن ( وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ ) به شیطان خظاب شده است از آنان هر كه را توانستی با آوازت [به سوی باطل‌] برانگیز. ( اسراء آیه ۶۴)

ای شیطان! تو با صدایت می توانی عقیده مردم را سست کنی ، استفزاز یعنی شل کردن و انسان آماده ی انحراف می شود پس آهنگ ها و صداهای غنا این اثر وضعی را بر روی انسان دارد ، حالا چه باور بکند یا نکند وضعاً این اثر را دارد ، اصلا در روایت تفسیر شده صوت شیطان غناست یا همان موسیقی حالا بعضی ها گفته اند با موسیقی به خدا می رسند ، ولی قرآن گفته با صدای شیطان سست و سبک می شوید ، شل می شوید و به خدا نمی رسید یا در قرآن سوره لقمان آمده است که :

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚأُولَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ[[10]](#footnote-11)1

برخیازمردم‌ سخنان باطل وسرگرم‌كننده را می‌خرند تا از روی نادانی [مردم را] از راه خدا گمراه كنند و آن را به مسخره بگیرند؛ برای آنان عذابی خواركننده خواهد بود.

از مصادیق لهو الحدیث طبق روایات همان صدای شیطانی و غناست ، کسانیکه با لهو الحدیث سرو کار دارند ( اذا تتلی علیه آیاتنا ولّی مستکبرا ) همین که آیات ما به گوشش برسد با بی اعتنایی می گذرد ( کان فی اذنیه وقرا ) مثل این که گوش او سنگین است و چیزی نمی شنود و خلاصه اینکه ساز و آواز و انس با این لهویّات عزم انسان را از بین می برد و او را فردی ضعیف الایمان و ناتوان می سازد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1. . سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 94 [↑](#footnote-ref-2)
2. 1 .سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 93 [↑](#footnote-ref-3)
3. 1 .سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 93 [↑](#footnote-ref-4)
4. 2 . سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 94 [↑](#footnote-ref-5)
5. 1 . سوره ی مبارکه ی نجم، آیه ی 39 [↑](#footnote-ref-6)
6. 2 . سوره ی مبارکه ی کهف، آیه ی 49 [↑](#footnote-ref-7)
7. 1 . سوره ی مبارکه ی لقمان، آیه ی 16 [↑](#footnote-ref-8)
8. 1 . سوره ی مبارکه ی حجرات، آیه ی 14 [↑](#footnote-ref-9)
9. 1 . سوره ی مبارکه ی نمل، آیه ی 14 [↑](#footnote-ref-10)
10. 1 . سوره ی مبارکه ی لقمان ، آیه ی 6 [↑](#footnote-ref-11)